

ریاض الابرار

دائرة المعارف فارسی نسخه منحصر به فرد

از حسین عقیلی رستم‌داری، که در چند جای کتاب از خود نام برده است (۱) شیعی مذهب که همه جا بدان بالیده است، به روزگار شاه تهماسب یکم (۹۳۰-۹۸۴) که یکبار به اشاره و یکبار به سراحت از او نام برده است (۲). نگارنده از تاریخ روزگاری که به نگارش کتاب می پرداخته، یعنی از سال ۹۷۹ دست کم دو بار یاد کرده است؛ یکبار در دیباچه و یکبار آنجا که از يك زندانی پیرو اسماعیلیان دیدن کرده است (۳).

(۱) - ص ۳۲ و ۱۳۴ و ۴۷۳ نسخه .

(۲ و ۳) - در ص ۱۳۴ در بخش معرفی گروه اسماعیلیان مینویسد : سبب طول مقال در این فصل آنست که در این زمان پادشاه عالیشان شاه تهماسب بن شاه اسماعیل است... از مذاهب مختلفه شیعه غیر از امامیه اثری ظاهر نیست، و آنحضرت ترویج مذهب امامیه و قلع و قمع سایر مذاهب شده . لیکن در بعضی از اوقات بعضی بطریق اسماعیلیه خروج میکنند، و در همان اوقات بدست ملازمان پادشاه عالیشان گرفتار میشوند . چنانکه در تاریخ سنه تسع و سبعین و تسعمائة مولف این رساله اعنی حسین عقیلی رستم‌داری با یکی از آنها ملاقات نمود . در وقتی که بقید و زندان ملازمان پادشاه مذکور گرفتار بود ، بعضی از خصوصیات آن مذاهب تفتیش نمود ، و بالفعل که او اسط مجرم سنه مذکوره است گرفتار بندوزندان است .

کتاب دائرةالمعارفی است که با دیباجه‌ای بلند آغاز میشود . در دیباجه بنام «ریاض‌الابرار» نامیده شده است ولی در متن چند جا از آن به کتاب تسمین (دربرابر جامع‌الستین نازی) یاد کرده است .

پس از نعمت وستایش خدا و پیامبر و امامان و یاد از بزرگی آفرینش ، از بلند پایگی دانش سخن میگوید . و پیش از آغاز به فهرست مطالب کتاب بدینگونه ۳۶ صفحه نظم و نثر دارد . سروده‌ها بیشتر از سرایندگان بنام مانند سنایی و حافظ و مولوی است، برخی از سروده‌ها را نشناختم و شاید از خود او باشد .

درباره خود و سبب نگارش می نویسد :

پس از آنکه به مصداق‌العلم فی‌الغربه به مدت بیست‌سال در اکثر بلاد ایران و معموره جهان اوقات خود را در تحصیل علوم دینیه و حکمیه و فنون غریبه و غیرها صرف نمودم (ص ۱۰) و به مطالعه و تصحیح اکثر کتب مطولات پرداختم .

مثل : شرح اشارات طوسی ، مباحث الهیات و طبیعیات شفا، حواشی شرح تجرید ، شرح حکمة‌العین و حواشی و متعلقات آن ، شرح تذکره نظامی و خفزی، تعلیقات بیرجندی، شرح چغمینی قاضی زاده دره‌یث، مفتاح شمسیه حساب ، تحریر اقلیدس باسرها ، اکثر تفسیر بیضاوی، شرح شاطبی و شروح و متعلقات آن در قرائت ، مطول باحواشی باسرها . اکثر شروح مفتاح ، شرح مختصر اصول با حواشی جرجانی و سایر شروح کافیه مطولات ، شرح مطالع با حواشی و متعلقات آن و متوسطات ، زیج الخ بیک جدید ، رسایل در مناظر و مرایا و علم ایقاع ، ادوار وطب و سایر فنون ، و از کتب فقه: ارشاد، شرایع با حواشی، مباحث مشکلة قواعد ، وهر فنی را استفاده نمود (ص ۱۰-۱۱) با اختصار کردن) .

سپس خواست نقد عیار خود را به محک امتحان صاحب‌نظران زند ، به دارالسلطنه پادشاه معاصر ظل‌الله فی‌الارضین (از پادشاه نام نمی برد) قزوین آمده، به امید آنکه در پایتخت پادشاهان علما و فضلا و مشایخ جمع هستند .

علی‌هذا در بلادی که در سمت شیراز واقعدن توقف ننموده ، مگر زمانی در بلده اصفهان که حسب التماس بعضی از احبای قدیمی که متوطن آن دیار بودند و در سنه ثمان و سبعین و تسعمائة (۹۷۸) درمیانه فصل خزان به قزوین رسید (ص ۱۱ باختصار) .

در صفحه های بعد به تفصیل از وضع فرهنگ و دانشمندان در قزوین بد میگوید . و از برخورد آن جماعت متظاهر به علم ودین با او گله میکند ، از گروهی که همه اوقات خودرا در احکام تناقض و عکس مستوی و نقیض و قضای شرطیه صرف می نمودند و از مسایل حکمیه جز از اسم هیولسی چیزی نمیدانستند ، و قرار دانش در حکمت را به حکمت « هدایه » داده و از کتب فقهیه بمطالعه « مختصر » افتخار جسته اند گله میکند . و میگوید : گروهی که از اصول دین الفاظ نامفهوم : اذا سئلك سائل و قال ما الايمان ؟ را حفظ کرده اند (ص ۱۳) ، نفی علوم حقیقی حکمی نموده مطلقاً فنون ریاضی را از کمالات ندانند (ص ۱۶) ...

در مقام تأسف از توجه باین صوب ناصواب بامکان توجه بجانپ عراق عرب و حجاز و اراده توطن اماکن شریفه می اندیشد (ص ۲۸ و ۱۵) . درسختی میکنند و در وصف حال خود گواه می آورد :

جام اغیار لبالب ز می لعل مثال

ساغر ما همه از خون جگر مالامال

و از اینکه تفوق در فضل و کمال را از شرف جد و اب دانند ، و اصل و نسب مایه شناسایی است گله میکند . (ص ۱۸)

از زخارف و حلیات دنیا و خود سخن میگوید و از حافظ گواهی می آورد :

گرچه آلوده فقرم ، شرم باد از همتم

گر به آب چشمه خورشید دامن ترکتم

درباره بد رفتاری آن مردم مینویسد : علت آنها غالباً حسد است و حقد و نفسانیات ، از مطالعه و مباحثه و تصانیف که اوقات این ضعیف مصروف آن بوده (ص ۲۷) .

از اینجا بر می آید که نگاشته های دیگری نیز داشته است .
در فصل بهار در تمخیل نام جز توجه به صوب حجاز و عراق عرب و عتبه
بوسی حر مین نبود ، بعزیزان حاضر استشاره نمود ، جمله مصلحت در آن
دیدند و التماس نمودند قبل از توجه به آن صوب مافی الضمیر خود را بر همگنان
ظاهر ساز ، و خلص اخوان را از فنون دقیقه و علوم غریبه بهره مند گردان
(ص ۲۸ - ۲۹) .

از این روی در اواسط محرم سنه تسع و سبعین و تسمائنه (۹۷۹)
شروع در مطلب عالی و مقصد متعالی نموده بتوفیق الله قبل از انقضای ربیع -
الآخر سال مذکور باتمام رسانید .

فهرست مطالب کتاب :

- کتاب در یک مقدمه و دوازده روضه و یک خاتمه است :
- مقدمه در سه حدیقه : حدیقه ۱ - در فهرست این کتاب ، در اینجا از
ستین فخر رازی یاد میکنند و بر او خرده میگیرد ۲ - در بیان واضح اکثر علوم
(ص ۴۰) ۳ - در علم خطب و گزارش خطبه ششقیه (ص ۴۹) .
- روضه یکم: در شانزده مقاله ، در ملل و نحل .
- مقاله ۱ - در معنی حدیث ستفرق امتی ... (ص ۷۶)
- ۲ - در آنکه اختلاف در چه چیزها موجب آن میشود که صاحب
آن را فرقه نام کنند (ص ۹۰) .
- مقاله ۳ - اول کسی که در اسلام محمدی رخنه کرد و اختلاف نمود
کیست (ص ۹۲) .
- مقاله ۴ - در مذهب خوارج و اشاعره از فرق هفتاد و سه گانه (ص ۹۶) .
- ۵ - فرق بخاریه ، جبریه ، مشبهه . (ص ۱۰۸)
- ۶ - فرقه معتزله (ص ۱۱۰)
- ۷ - فرق شیعه از کبار فرق (ص ۱۲۰)
- ۸ - در بیان فرقه های شیعه که بهترین امتند (ص ۱۴۵)

- ۹- در بیان فرقه اثنا عشریه که رستگارند (ص ۱۵۷) .
 در این فصل جلد یکم پایان می‌یابد ، ولی چون همه قرائن نشان می‌دهد
 که تفکیک کتاب به دو جلد کار نگارنده نیست من صفحه شماری را همچنان
 ادامه می‌دهم .
- ۱۰- در ادعیه و احراز (در این بخش افتادگی هست) (ص ۱۷۷)
 ۱۱- مقالات اهل علم ، اعنی بیان مذاهب حکما و مهندسین و اصحاب
 نجوم و افلاک (در این بخش نیز افتادگی هست) .
 ۱۲- در بیان مذهب مجوس (ص ۱۸۷) .
 ۱۳- در بیان مذهب کفار هند و چین و ختن و حوالی آن (ص ۱۹۲)
 ۱۴- در بیان مذهب یهود (ص ۱۹۲) .
 ۱۵- در بیان مقالات نصارا (ص ۱۹۴) .
 ۱۶- در بیان صائبان (صائبیان) (ص ۱۹۵) .
- روضه دوم : در علم تاریخ ، در سه مقصد ، در بیان مجملی از احوال
 انبیا و حکما و اعظام سلاطین و وقایع عظیمه از آدم تا زمان تألیف (ص ۱۹۶) (۱) .
 - ذکر پادشاهان عظیم‌الشأن از کیومرث به بعد .
 - مجملی در احوال حضرت رسالت پناه ، ائمه اثنی عشر ، در هشت
 فصل . (ص ۲۰۹) .
- زمان حکومت خلفا (ص ۲۳۴) .
 - تیموریان (ص ۲۴۶) .
 - در بیان مجملی از احوال قراقویینلو (ص ۲۵۱) .
 - در ذکر حکومت آق‌قویینلو (ص ۲۵۳) .
 - در مجملی از احوال پادشاه صاحبقران شاه اسماعیل (ص ۲۵۵) .
 روضه سیم : در چهارده بیان :
 - در علم تفسیر (ص ۲۷۱) .

(۱) از آغاز روضه دوم تا ص ۳۶۹ عنوانها نانویس مانده و عنوانهای

داده شده ساخته من است .

- درعلم معانی (ص ۲۷۶) .
- درعلم بیان (ص ۲۷۹) .
- درعلم بدیع (ص ۲۸۱) .
- درعلم نحو (ص ۲۸۳) .
- درعلم صرف (ص ۲۸۵) .
- درعلم لغت (ص ۲۸۶) .
- درعلم اشتقاق (ص ۲۸۸) .
- درعلم قواعد اصول فقه (ص ۲۹۰) .
- درعلم میزان (منطق) (ص ۲۹۵) .
- درعلم ادب (ص ۳۰۳) .
- در معرفت رجال ثقات مذهب (ص ۳۰۴) .
- در بیان قواعد احادیث (ص ۳۰۹) .
- در بیان مباحث فقهیه (ص ۳۱۳) .
- روضه چهارم: در دوازده رکن .
- در بیان کلمه توحید و حل مشکلات آن (ص ۳۲۵) .
- خواص سور (ص ۳۳۹) - خواص آیات (ص ۳۴۵) .
- خواص حروف (ص ۳۴۶) .
- علم تجوید، در هفت فصل و یک خاتمه (ص ۳۶۹) ... ۲- در صفات حروف
- ۳- حروف مد ۴- ادغام ۵- احکام تنوین ۶- وقف ۷- اسکان . خاتمه در کلیات و علایم .
- رکن هشتم از روضه چهارم در بیان علم خط ، و آن مشتمل است بر مقدمه و هشت بیان :
- مقدمه در استناد علم خط به حضرت امیر (ص ۳۷۲) .
- بیان ۱- در قلم قط زدن و واضح خطوط (ص ۳۷۳) .
- ۲- اصل نقطه است و از ترکیب آن خط حاصل شود، دستور نوشتن کلمات مفرد (ص ۳۷۵) .

- بیان ۳- قاعده حروف مرکب (ص ۳۷۷) .
- ۴- حروفی که بر حسب وضع احکام مختلف دارند (ص ۳۷۹) .
- ۵- ترکیب زیاده از دو حرف (ص ۳۸۰) .
- ۶- ابتدای حروف به سه نوع است .
- ۷- بدانکه قلم را به سه انگشت باید گرفت (ص ۳۸۰) .
- ۸- در خصوصیات تعلیق و نستعلیق و بیان آن دو قسم (ص ۳۸۱) .
- خاتمه : در روش مرکب برداشتن و مرکب ساختن (ص ۳۸۲) .
- رکن نهم از روضه چهارم ، در بیان رسم الخط کوفی (ص ۳۸۳) .
- رکن دهم در رنگ کردن اشیاء مختلفه در دوازده بیان و یک خاتمه (ص ۳۸۵) .

- بیان ۱- در بیان کاغذ و بهترین کاغذ ها در کجا ساخته میشود .
- ۲- در بیان زرد کردن کاغذ .
- ۳- در بیان رنگ سرخ .
- ۴- در بیان رنگ آبی .
- ۵- در بیان رنگ کبود .
- ۶- در بیان رنگ زنگاری .
- ۷- در بیان رنگ خود (نخود؟) و کاهی .
- ۸- در رنگ عودی .
- ۹- در رنگ گلگون .
- ۱۰- در رنگ فریسه .
- ۱۱- در رنگ نارنجی .
- ۱۲- در بیان رنگهای مختلف .
- خاتمه - در آهار کردن کاغذ .

رکن یازدهم از روضه چهارم در حل کردن اشیاء ، در یک مقدمه و شش

حل (ص ۳۸۸)

- مقدمه : در بیان حل کردن طلا و نقره .
- حل ۱- طریق حل کردن لاجورد ، واقسام لاجورد .
- « ۲- حل زنگار .
- « ۳- حل طلق .
- « ۴- حل زرنیخ .
- « ۵- حل گل هرمز .
- « ۶- عروسک .
- رکن دوازدهم از روضه چهارم در علم قلع آثار . (ص ۳۸۹) .
- رکن سیزدهم در علم مثال (ضرب‌المثل) (ص ۳۹۰) .
- رکن چهاردهم در علم انشا (نامه‌نگاری) (ص ۳۹۲) .
- روضه پنجم : در بیان علم اخلاق ، طب ، رؤیا ، درسه اصل . (ص ۳۹۵) .
- اصل اول در علم اخلاق ، در سه فصل : فصل ۱- علم اخلاق (آرایش خوی) ۲- آداب ملوک (کفورداری) ۳- تدبیر منزل .
- اصل دوم از روضه پنجم ، در علم طب ، در پنج حدیقه . (ص ۴۳۶) .
- حدیقه ۱- مجملی از قواعد طبی .
- « ۲- در تشریح اعضاء .
- « ۳- اقسام نبض و کیفیت احوال آن .
- « ۴- آلام و امراض بدنی و ادویه بسیطه و مرکبه .
- « ۵- در بیان بعضی از بقول (خورکیها) .
- اصل سیم از روضه پنجم در بیان تعبیر و تأویل خواب (ص ۴۶۷) ، در این بخش نسخه افتادگی دارد .
- روضه ششم : در بیان علم حساب و تقویات و آنچه متعلق به آنست ، در هشت شجره : (ص ۴۷۳) .
- شجره ۱- در بیان آنچه در حل تفاوتیم ضروریست .
- « ۲- در بیان مجملی از احکام زیجات .

- شجره ۳- در بیان احکام نجومی .
- ۴- در بیان طالع مولود .
- ۵- در معرفت القاب آلات و دوایر اسطرلاب .
- ۶- در جاماسب نامه و احوال آخر الزمان در شش دوجه .
- ۷- در احکام رمل، در چند فصل .
- ۸- در علم شانه .
- روضه هفتم : در دوازده لایحه :
- لایحه ۱- در معرفت جواهر (ص ۵۴۶) .
- ۲- در علم فلاح (آغاز افتاده) .
- ۳- (افتاده) .
- ۴- در علم فراست (ص ۵۵۷) .
- ۵- در جراثقال (ص ۵۶۱) .
- ۶- در دانستن ثقل برین اجساد (وزن مخصوص اشیاء) .
- ص ۵۶۳ .
- لایحه ۷- در بیان علم ارغنون و متعلقات آن (ص ۵۶۳)
- ۸- در بیان تیر انداختن (قوس نامه) (ص ۵۶۵) .
- ۹- در علم تفرس (اسب تاختن) (ص ۵۷۳) .
- ۱۰- در علم بیطره (ص ۵۷۵) .
- ۱۱- در علم بزارات (بازنامه) ص ۵۷۷ .
- ۱۲- در علم صیدله یعنی داروساختن (ص ۵۷۸) .
- خاتمه در معرفت فراسخ مابین بلاد مغموره (فاصله میان شهرها) .
- روضه هشتم : در هفت دوجه :
- دوجه ۱- در بیان لغز (ص ۵۶۱) .
- ۲- در عام ممما (ص ۵۶۳) .
- ۳- در عروض ، در یک مقدمه و چهار فصل (ص ۵۷۰) .

دوحه ۴- درقافیه و منملقات آن (ص ۵۷۵) .

۵- درعلم موسیقی ، در سه فصل (ص ۵۷۸) .

۶- درعلم محاوره ، در مقدمه و چهارمقام (ص ۵۸۱) .

۷- درعلم قرص الشعر (ص ۵۸۸) .

روضه نهم: درده نمره : (ص ۵۹۱ تا ۶۱۹) . عنوانها در این بخش سفید مانده است و من فهرست این بخش را از دیباجه می آورم : در بیان کاینات جو و علم جفر جامع و خاییه و علم تسخیرات و علم عزایم و علم طلسمات و علم نیرنجات و علم دم و وهم و علم تصرف نفس و منیبات و علم کیمیا و هیمیا و سیمیا و ربمیا و علم آلات حروب و علم اعداد . (همه این بخشها در متن هست ولی بدون عنوان) .

روضه دهم: درهشت منظر :

۱- در بیان علم هندسه (ص ۶۱۹) .

۲- درعلم ارثماطیقی (ص ۶۲۵) .

۳- درعلم حساب بطریق اهل هند (ص ۶۳۰) .

۴- درعلم حساب هوایی (ص ۶۳۲) .

۵- درعلم جبر و مقابله (ص ۶۳۵) .

۶- درعلم مساحت (ص ۶۳۷) .

۷- درعلم مناظر و مرایا و کیفیت ادراک (ص ۶۳۹) .

۸- در بیان علم هیئت (ص ۶۴۱) .

روضه یازدهم: در مسایل دقیقه ، در سه اصل :

۱- در بیان مقولات حرکت و تحقیق زمان (ص ۶۶۱) .

۲- در اثبات حدود عالم (ص ۶۷۷) .

۳- بحث در شبهات مخالف شرایع مانند شبهه عدم قابلیت خرق

و التیام افلاک ، انکار معراج جسمانی ، قدم عالم (ص ۶۸۱) .

روضه دوازدهم: در سه حکمت :

- حکمت ۱- اثبات واجب وصفات ثبوتیه و سلبیه (ص ۶۸۸)
- ۲- تحقیق در علم واجب و دفع اشکال وارده (ص ۶۹۴).
- ۳- در بیان قدرت و اختیار واجب (ص ۷۰۹).
- خاتمه در سه مقدمه و قطب و سه مقام ، در اصطلاحات صوفیان ، اثبات وحدت وجود، تحقیق در معنی عشق و معشوق (عنوانها در خاتمه کتاب نیز نا نویس مانده و این عنوانها از دیباجه کتاب گرفته شد).

نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۲۰۳۳ (جلد یکم) و به شماره ۵۴ ادبیات (جلد دوم) است. نسخ آمیخته به نستعلیق ، بی تاریخ از پایان سده دهم یا آغاز سده یازدهم است . عنوان و نشان شنکرف ، برخی از عنوانها در جلد دوم نا نویس مانده ، جلد یکم کامل و بی نقص ، جلد دوم در چند جا افتادگی دارد . یک برگه از آغاز جلد یکم در آغاز جلد دوم صحافی شده است . تنها جلد دوم این کتاب در جلد ۳ ص ۱۷۴ فهرست کتابخانه نام برده شده است ، و از همان منبع بطور ناقص در « فهرست نسخه های خطی فارسی » این ناچیز ص ۶۶۹ نشان داده شده است .

اکنون که یکماه از نوشتن این گفتار گذشته و در مشهد به غلط گیری آن می پردازم ، اطلاعات بیشتری از این کتاب و دیگر نگارهای نگارنده آن بدستم آمده که امیدوارم در گفتاری دیگر عرضه بدارم .

جمعیت جهان

طبق آماري که در سال ۱۹۷۰ از طرف سازمان ملل متحد منتشر شده جمعیت جهان ۳ میلیارد و هفتصد میلیون نفر بوده است و همه ساله ۷۸ میلیون نفر بر جمعیت دنیا افزوده میشود .